

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل
۱۵ جولای ۲۰۱۹



زبان کند و انگشتان تند من

آقای اسماعیل سروری گرداننده وبسایت غرجستان از اقارب و هم‌دوره مکتبم است. مدتی هم‌اتاق بودیم، باهم ورزش می‌کردیم و یگان وقت دعوا و بحث هم داشتیم. او بسیار پرتلاش بود، خوب کاراته می‌کرد، خوب درس می‌خواند و بسیار آهنگ زمزمه می‌کرد. تعداد زیاد خواندن‌های احمدظاهر را از بر داشت و گاهی در جمع ما بدون ساز می‌خواند.

لطفش فراوان است و بارها از من دعوت کرده تا در مدیریت وبسایتش همکاری کنم، ولی من به دلایلی از جمله کمبود وقت معذرت خواسته‌ام. در عوض توافق کرده‌ایم هرچه در فیسبوک می‌نویسم می‌تواند در وبسایتش نشر کند. دو سال قبل مرا دعوت به مصاحبه در مورد سرگذشت و تجاربم کرد، گفتم هنوز جوانم و وقت نوشتن وصیت‌نامه و گفتن از گذشته‌ها نرسیده است. ضمناً چیز خاصی در زندگی خود نمی‌بینم که در شریک کردنش احساس مسئولیت کنم.

گفت درست است و دعوت کرد که روی مسایل اجتماعی مصاحبه کنم، به خصوص تأکید داشت که در مورد وضعیت اقتصادی و سیاسی هزاره‌ها صحبت کنیم. باز هم نشد.

چند وقت قبل، روز جمعه مصروف شستن موتر و حویلی بودم که آقای سروری با کمره‌اش رسید. سلام و بغل‌کشی کردیم. گفت برای مصاحبه آمده‌ام. گفتم مصاحبه چی؟ گفت برای وبسایتیم. گفتم صبر کن کارم را جمع کنم، چای بخوریم باز گپ می‌زنیم. او که اروپا نشین است گفت وقت کم است و خواهش کرد زود آماده شوم که مصاحبه‌اش را بگیرد.

خلاصه نیم ساعت بعد مرا پیش کمره‌اش شانه بود. به شوخی گفتم بی‌خبر می‌آئی و مثل اسیر آدم را پیش کمره می‌نشانی که مصاحبه بده!

خلاصه این مصاحبه را گرفت و بکسش را بسته رفت. مدتی بعد از آن هم در کابل بود. از مصاحبه‌ام پشیمان شده بودم، با خود می‌گفتم تو که اصولاً زبان کند داری بدون آمادگی پیش کمره نشستی و معلوم نیست چی گفتی. به سروری پیام ماندم که قبل از ترک کابل یکبار ببینیم. می‌خواستم مصاحبه را ببینم و مطمئن شوم گپ شنیدنی در آن است. دیدار ما میسر نشد و آقای سروری به اروپا رفت. ویدیو را در یوتیوب ماند تا قبل از نشر در ویب‌سایتش ببینم، و بعد از تأیید من نشرش کرد. از جمله در عنوان مصاحبه نوشته شده بود: "صحبت‌های آقای یونس نگاه راجع به تجارب علمی، اقتصادی و سیاسی زندگی‌اش)". "لطف را می‌بینید (!از آقای سروری خواستم آن را اصلاح کرده بنویسد": صحبت‌های آقای یونس نگاه در مورد تجارب شخصی و محیطش".

از ایشان تشکر می‌کنم که زحمت کشیده و به زور از من مصاحبه گرفت. مطمئنم اگر یک ماه وقت هم می‌داد از این بهتر نمی‌شد. این مصاحبه یادآوری کوتاه و گزینشی از روزهایی است که نسل ما سپری کرده است. در وقت مصاحبه بسیار تلاش کردم چیزهایی را بگویم که به روز و روزگار ما ارتباط داشته باشد (جنبه‌های اجتماعی زندگی شخصی).

یکی از دوستانم روزی گفت انگشتانت بسیار چالاکتر از زبانت است. تا آن وقت متوجه نشده بودم. بعد از آن چند سخنرانی و مصاحبه محدودم را مرور کردم و متوجه شدم که راستی زبانم کند است. در قصه گفتن هم نمره نمی‌گیرم. در جمع دیگران بیشتر شنونده‌ام و به قصه‌ها و فکاهی‌های دیگران با صدای بلند و از ته دل خنده می‌کنم، ولی هرچه زور می‌زنم یک فکاهی صحیح گفته نمی‌توانم. به عکس وقتی به کیبورد دست می‌مانم، کلمات طنز و شوخ می‌شوند. تا هر جا حوصله داشتید ببینید.

<https://www.facebook.com/voiceofgharjistan/videos>